

ایران به عنوان شریک اقتصادی روسیه

نینا مامدوا^۱

با توجه به قانون داماتو در مورد مجازات شرکت‌های خارجی، حتی شرکت‌های آمریکایی، که بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع ایران سرمایه‌گذاری نمایند، ممکن است موانعی برای سرمایه‌های بالقوه جهت نفت و گاز ایران، ایجاد شود. با توجه به تجربه همکاری گذشته، ایران نیازمند همکاری و شرکت بلندمدت در زمینه‌های تحویل تجهیزات، لوازم نیمه‌ساخته و فن‌آوری روسی است. این موضوع نه تنها شامل طرح‌های تکنیکی و فنی مهم است، بلکه طرح‌های کوچکتر را نیز دربر می‌گیرد. به نظر می‌رسد که اکنون روسیه از این شانس که ایران در انزوای نسبی قرار دارد استفاده نمی‌کند و این امکان را که به کمک بازار پربالابیت ایران، پتانسیل فنی و اقتصادی و همچنین سطح امنیت ملی خود را بالا ببرد، از دست می‌دهد و این نه تنها یک اشتباه سیاسی، بلکه یک اشتباه اقتصادی است.

چگونگی روابط اقتصادی روسیه و ایران، با توجه به اینکه روسیه، در حال حاضر ایران را در بسیاری از جهات، متحدی بالقوه به‌شمار می‌آورد، به شکل زیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: اول، عرصه فعالیت‌های آسیای مرکزی و قفقاز، جایی که سیاست محتاطانه ایران هیچ‌گونه تضادی با منافع ملی روسیه ندارد. دوم، موضع یکسان در قبال دریای خزر سوم، مسأله مقابله با تأثیر ترکیه، از جمله مقابله با گسترش تجزیه‌طلبی ترکی در قلمرو فدراسیون روسیه. چهارم، امکان همکاری نظامی - هسته‌ای، نقش روسیه را در حل مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی تحکیم می‌بخشد.

۱. این مقاله از کتاب خاور نزدیک و معاصر، مؤسسه مطالعات اسرائیل و خاور نزدیک مسکو، سال ۱۹۹۸، انتخاب و از روسی به فارسی توسط خانم پروین معظمی‌گودرزی ترجمه گردیده است.

در بسیاری از زمینه‌ها، روابط دو کشور به‌ویژه رابطه اقتصادی، وابسته به ارزیابی نخبگان روسیه است که آیا این نزدیکی با ایران یک جنبه تاکتیکی داشته و یا به منزله آغازی برای ایجاد نیروی جغرافیای سیاسی جدید در منطقه باشد. با وجود ارزیابی‌های مختلف، جدای از اهداف جغرافیای سیاسی و ویژگی‌های تمدنی، که در سالهای اخیر در مورد آنها صحبت‌های زیادی شده است، روابط اقتصادی دو کشور دارای اهمیت و ارزش خاصی می‌باشد. کارآیی و مؤثر بودن این روابط تأثیر خود را روی روابط آینده یا در راهبرد کوتاه‌مدت یا بلندمدت خواهد گذاشت.

به‌مرحال، روابط اقتصادی در وهله اول، باید بر پایه اصولی صحیح پایه‌گذاری گردد، به این صورت که روسیه باید با آگاهی کامل در زمینه استفاده از بازار ایران عمل کند، یعنی این کشور باید بداند که با توجه به مقابله ایران و آمریکا آیا شانس رخنه در بازار ایران را دارد یا نه. جالب توجه اینکه، ایران هم مایل به برقراری روابط همه‌جانبه با روسیه است، زیرا با کمک روسیه این کشور امیدوار است بتواند موقعیت منطقه‌ای و همچنین پتانسیل اقتصادی - نظامی خود را ارتقا بخشد.^۱ روسیه نیز نباید از گسترش روابط ایران و آمریکا بترسد، بلکه برعکس این کشور می‌تواند روابط اقتصادی خود را با ایران و آمریکا در سطح وسیع گسترش دهد. در ابتکاری که مهمترین مقام مسؤول اجرایی ایران - محمد خاتمی - در جستجوی راههای مذاکره با آمریکا به کار برد و موجب بازتاب گسترده‌ای در جهان گردید، اعلام کرد که روابط با روسیه هیچ‌گونه ممانعتی در برقراری ارتباط با آمریکا ایجاد نمی‌نماید.

وزیر امور خارجه ایران، کمال خرازی، در پایان فوریه سال ۱۹۹۸ با صحبت در مورد لزوم گسترش روابط تجاری میان روسیه و ایران، خاطرنشان ساخت که در این زمینه، ارائه پتانسیلهای متقابل ضروری است. در اینجا برمی‌گردیم به این سؤال که ایران به عنوان شریک اقتصادی روسیه چه چیزی را ارائه می‌دهد؟

۱. دولت تشکیل شده به وسیله رئیس‌جمهور جدید، سید محمد خاتمی اعلام کرد که آماده همکاری سازنده با کلیه کشورها و سازمانهای بین‌المللی است. بدین ترتیب در زمان دیدار وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران کمال خرازی از مسکو وی نیز اعلام کرد که در رابطه با کشورهای اروپایی زمان «گفت‌وگوی انتقادی» بسر آمده و زمان درک متقابل و همکاری فرارسیده است. رئیس‌جمهور نیز بارها اعلام کرده که زمان «گفت‌وگو تمدنها» است.



۱. ایران، همسایه تاریخی روسیه، در حال حاضر دارای نظام اسلامی منحصر بفردی است و با جمعیتی ۶۰ میلیونی و تولید ناخالص داخلی در حدود ۱۱۰-۱۰۰ میلیارد دلار به عنوان یک کشور ثروتمند در خاور نزدیک و میانه تلقی می شود. علاوه بر نفت و گاز که یکی از مهمترین ذخایر انرژی است، ایران دارای سنگهای معدنی و فلزات، آهن، مس، روی، سرب، کرومیت، منگنز، سنگهای ساختمانی مختلف، منابع حرارتی و غیره می باشد. از دهه نود که ایران وارد سیاست اقتصادی جدیدی گردید، در ارتباط با انتقال به اصول بازار، آزادی روابط اقتصاد خارجی و خصوصی سازی، دارای آهنگ رشد فزاینده ای شد. آهنگ رشد متوسط تولید ناخالص داخلی از ۱۹۸۹-۹۰ تا ۱۹۹۶-۹۷، ۵٪ اضافه گردید. مهمتر اینکه، براساس این افزایش، رشد رشته های تولیدی، از جمله در صنایع تبدیلی فلزات، انرژی و حمل و نقل، چشمگیر می باشد. شاید یکی از دستاوردهای مهم، افزایش میزان سرمایه گذاری باشد و گرچه در برنامه پنجساله دوم (تا سال ۲۰۰۰) پیش بینی می شد که سرمایه گذاری در سال ۱۹۹۶-۹۷ به ۱۶/۴ برسد ولیکن به ۲۳/۷٪ رسید. بدین ترتیب تقریباً تا ۱/۴ تولید ناخالص داخلی با سرمایه گذاری و جذب آن در اقتصاد تأمین می گردد.

نرخ تورم پس از افزایش در سال ۱۹۹۴-۹۵ به دلیل تحریم تجاری آمریکا که موجب سقوط شدید نرخ ریال گردید، در دو سال اخیر کاهش یافت و از ۵۰٪ در سال ۱۹۹۵-۹۶ به ۲۰٪ در سال ۱۹۹۷ رسید. قسمت مهم درآمدهای ارزی کشور - درآمد حاصل از فروش نفت خام - می باشد که به طور متوسط ۱۶-۱۴ میلیارد دلار در سال است و به طور کلی به عنوان منبع تضمین وجوه ارزی مورد بررسی قرار می گیرد. گرچه در بودجه سال ۱۹۹۷-۹۸ برنامه ریزی شده بود که از محل درآمدهای نفت حداقل ۱۸-۱۷/۵ میلیارد دلار، با حساب ۱۷/۵ دلار در هر بشکه حاصل گردد، ولی این درآمد به ۱۶/۱ میلیارد دلار کاهش یافت.^۱

البته نوسان قیمت نفت در بازار جهانی موجب این آسیب پذیری گردیده و لازم بود که ایران به این موضوع توجه می نمود. قسمتی از درآمد ارزی نفت که کاملاً تحت نظارت دولت می باشد، به خرید کالاهای سرمایه ای و خدمات، پرداخت سفارشات نظامی و تأسیسات

1. Financial Times, 30.01.1997.



ساختمانی که دارای اهمیت در اقتصاد ملی هستند، اختصاص داده می‌شود. حجم وجوه درآمدهای ارزی از فروش نفت تعیین‌کننده میزان واردات است و دولت سعی می‌کند از فزونی واردات بر صادرات و صدور مجوز واردات بیشتر جلوگیری نماید. آزادسازی فوق‌العاده واردات در اوایل دهه نود موجب به وجود آمدن بدهی خارجی شد. آنچه که بدیهی است ۴-۲/۵ میلیارد دلار به هزینه‌های تدافعی، ۳-۲/۵ میلیارد دلار به خرید خواروبار و ۸-۵ میلیارد دلار به واردات تجهیزات نیمه‌ساخته اختصاص داده می‌شود. آغاز کاهش قیمت نفت از پایان سال ۱۹۹۷ تأثیر شدیدی روی بودجه سال ۹۸-۱۹۹۷ گذاشت و درآمدهای ارزی به ۴/۹ میلیارد دلار کاهش یافت.^۱

کاهش درآمد نفت، نه تنها پتانسیل واردات ایران را کاهش داد، بلکه سریعاً روی کاهش تولید، از جمله صادرات صنعتی نیز اثر گذاشت. بدین ترتیب در پایان سال ۱۹۹۷ بسیاری از مؤسسات صنعتی کشور دستخوش کمبود شدید مواد خام وارداتی و ذخایر شدند و این امر موجب گسترش «بازار سیاه» گردید.^۲ موجودی ذخایر ارزی دولت در بسیاری جهات وابسته به سیاست تنظیم واردات - صادرات، به ویژه وابسته به فعالیت بازرگانی بخش خصوصی است. در حال حاضر مالیاتهای گمرکی افزایش یافته، ترتیب تبدیل ارز در بانکهای ایرانی به هم خورده، سهم انتقال اجباری کمکهای ارزی افزایش یافته و ضمناً استفاده از نرخ ارز «شناور» یا نرخ ریال صادراتی شروع شده که موجب کاهش فعالیتهای اقتصاد خارجی گردیده است.^۳ بروز این پدیده در پایان سال ۱۹۹۷ و آغاز سال ۱۹۹۸ موجب کاهش شدید صادرات کالاهای صنعتی شده است. معاون وزیر صنایع در فوریه سال ۱۹۹۸ اعلام کرد که: اخیراً دولت تصمیم گرفته تمامی ارزی که به وسیله صادرات کالا حاصل می‌گردد در اختیار صادرکنندگان قرار دهد، تا انگیزه‌ای برای تشویق صادرات بیشتر شود.^۴ همچنین مالیاتهای گمرکی در مناطق

۱. تهران، همشهری، ۱۹۹۷، ۱۱، ۲۶، با حساب قیمت ۱۶ دلار هر بشکه. Tehran Times, 14-02-1998، در فوریه سال ۱۹۹۸، قیمت خیلی پایین‌تر از این سطح بود.

۲. همشهری، ۱۹۹۷/۱۱/۶ به عقیده وزیر صنایع، غلامرضا شافعی، گسترش صنعت ایران حداقل مستلزم ۸ سال وقت است تا بتواند خودکفایی در رابطه با ارز را از طریق گسترش تولیدات صادراتی داشته باشد.

۳. نرخ رسمی مورد استفاده در خصوص نفت، گاز و کالاهای استراتژیک، ۱۷۵۰ ریال، کالاهای صادراتی ۳۰۰۰ ریال و بازاری تقریباً ۲ برابر.

4. Tehran Times, 21.02.1998.

آزاد، چون قشم، از ۲۰ فوریه سال ۱۹۹۸ در حدود ۳۵-۳۰٪ برای ۲۴ نوع کالا از قبیل: برنج، دانه‌های روغنی، قند، مرغ، غلات و غیره... که واردات آنها ضروری بود، کاهش یافت.^۱

یکی از معیارهای مهم پتانسیل اقتصادی، تولید ناخالص داخلی کشور به میزان سرانه جمعیت است. در ایران در سالهای اخیر این میزان به سطح ۲۰۰۰ دلار یعنی حتی کمتر از به عنوان نمونه همسایه آن، ترکیه رسیده است و این میزان به دلیل افزایش سریع آهنگ رشد جمعیت کشور در دهه هشتاد تا ۳/۱٪ کاهش یافت. با این وجود، ایران با جمعیت جوان، نیازمند کالاهای مصرفی و با درآمد کمتر از استاندارد جهانی، نیازمند تکمیل و پر کردن بازار است و این خود زمینه‌ای برای ورود تولیدات صنعتی روسی به کشور می‌باشد.

عامل مثبت برای گسترش روابط اقتصادی با ایران پایان یافتن مشکلات سنتی، ایجاد ثبات سیاسی و اجتماعی در کشور و به‌طور کلی تکمیل اساس حقوقی و قانونی می‌باشد. درخصوص محاسبات مالی با شرکای خارجی از مقرراتی که مورد قبول سامانه بانکی جهانی است استفاده می‌گردد. علاوه بر این، گسترش برنامه ایجاد مناطق آزاد اقتصادی و بازارهای مرزی که دارای بسیاری از روشهای مناطق آزاد هستند، ادامه دارد.

۲. عامل منفی گسترش روابط با ایران، علاوه بر وابستگی شدید به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، مشکل بدهی خارجی این کشور می‌باشد که حجم آن در سال ۹۹-۱۹۹۸ بیش از ۱۵ میلیارد دلار بوده و تاکنون تنها ۵ میلیارد دلار آن پرداخت گردیده است، بنابراین گسترش روابط با این کشور در واقع مستلزم پذیرش خطر می‌باشد.

تاکنون نسبت به شرکتهای خارجی بزرگ و کوچک و یا سرمایه‌گذاران خارجی طبق قانون عمل نشده و نوع برخورد و رفتار با هر کدام از آنها متفاوت بوده است. ناهماهنگی در اقدامات قانونی، وجود محدودیتهای چندجانبه، محدودیتهای وارداتی در سطوح مختلف، مقابله‌های متداول با یکدیگر، نارسایی قوانین مالیاتی و حجیم شدن دستگاه اداری که خود مسئولین ایران نیز به آن معترف هستند به عنوان موانع مهم فعالیتهای شرکتهای خارجی و داخلی به‌شمار می‌آیند. گرچه نظام تثبیت شده و جهت‌گیری کلی سیاست اقتصادی در

برنامه‌های گسترش مشخص شده است، ولی اختلاف در آهنگ و روش اصلاحات و همچنین در موضوعات سیاسی - اجتماعی وجود دارد و این موضوع تنها با اقدامات قانونی مرتفع می‌گردد.

فعالیت بانکی ایران متمایز از استانداردهای جهانی و بر مبنای اصول اسلامی صورت می‌گیرد. هنوز مسأله افتتاح شعب بانکهای بازرگانی خارجی حل نشده است.

با توجه به قانون داماتو در مورد مجازات شرکت‌های خارجی، حتی شرکت‌های آمریکایی، که بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری نمایند، ممکن است موانعی برای سرمایه‌های بالقوه در جهت نفت و گاز ایران، ایجاد شود.

۳. پتانسیل‌های مهم صادراتی و وارداتی ایران کدام است؟ مهمترین پتانسیل صادراتی ایران نفت می‌باشد که مورد توجه بازار جهانی است. ایران دارای صنعت نفت، خط لوله نفت و پایانه‌های نفتی وسیعی در خلیج فارس است. انتقال نفت خزر از مسیر ایران فشار روی کشورهای اروپایی را کمتر می‌کند. با توجه به تلاش ایران در رابطه با استخراج نفت و رساندن آن در سال ۲۰۰۰ به ۴/۵ میلیون بشکه در روز و در سال ۲۰۱۵ به ۷ میلیون بشکه، این کشور مایل به سرمایه‌گذاری در بخش تکنولوژی، به‌ویژه در حفاری دریایی است.^۱ با توجه به ذخایر مهم گاز (سومین جایگاه در جهان) ایران اقدام به صادرات وسیع آن کرد (البته صادرات گاز پس از سالهای اول انقلاب به شوروی قطع شد) و در حال حاضر قراردادهای «گاز پروم»، «توتال» و «پتروتاس» در خصوص بهره‌برداری از معادن گاز پارس جنوبی به ارزش ۲ میلیارد دلار منعقد شده است. بدین ترتیب انتقال گاز و بهره‌برداری از آن نیازمند سرمایه‌گذاری و دسترسی به وسایل تکنیکی برای استفاده از تراکم گاز، تلمبه‌های الکترونی و غیره می‌باشد.

صادرات غیرنفتی ایران تاکنون، فرش دستبافت، میوه خشک و محصولات دریایی، از جمله خاویار و تاس ماهی بوده است. با توجه به اینکه از آغاز تا پایان دهه هشتاد یکی از جهت‌گیری‌های مهم سیاست اقتصادی، تشویق صادرات غیرنفتی بوده است، در نتیجه حجم

1. Tehran Times, 12.03.1998.



صادرات غیرنفتی که از ۳۰۰-۳۰۰ میلیون دلار تجاوز نمی کرد، به ۳-۳/۵ میلیارد دلار افزایش یافت. صادرات غیرنفتی ایران را می توان به سه نوع تقسیم کرد: اول صادرات فرش که ۸۰٪ بازار جهانی را تأمین می کند، دوم، کالاهای کشاورزی، از جمله محصولات دریایی است. میوه های تازه، میوه های خشک، پسته (تا ۸۰٪ بازار جهانی)، زعفران (با ۱۳۰ تن مهمترین تولیدکننده زعفران در جهان)، تاس ماهی و خاویار در این ردیف از صادرات قرار می گیرند. اکنون ایران سعی می کند صادرات خرما و همچنین محصولات دریایی را که برای روسها جالب می باشد، گسترش دهد. یکی از موانع گسترش صادرات، ضعف بسته بندی تولیدات است، و این موضوع مانعی برای بازرگانی کوچک و متوسط است. بنابراین با استفاده و بهره برداری ایران و روسیه از سرمایه گذاری مشترک و به کارگیری قدرت تولیدی باقی مانده مؤسسات دولتی و خصوصی سازی می توان این مانع را از بین برد.

نوع سوم صادرات غیرنفتی ایران که هر ساله نیز افزایش می یابد، صنایع تبدیلی است.^۱ در این گروه، اکثراً کالاهای صادراتی پرقابلیت مانند: تولیدات گازی و پتروشیمی قرار دارند که به بازار تحویل داده می شود و در مجتمع های پتروشیمی مورد استفاده قرار می گیرند.^۲ دیگر محصولات صادراتی این گروه: لاک، رنگ، روغن های فنی، محصولات فلزی کارخانجات، برخی از انواع محصولات صنایع کاغذ و فلزات رنگی می باشند. اگر گروه های کاری ایران و روسیه برنامه همکاری را برای بلندمدت در نظر بگیرند و شرکتهای تجاری و سرمایه گذاری را با هم تلفیق نمایند، تأثیر بیشتری خواهد داشت. این موضوع در درجه اول وابسته به پروژه صنایع غذایی است که نیاز به سرمایه گذاری زیادی ندارد.

ضمناً لازم به ذکر است که چگونگی جهت گیری تولیدات صادراتی را می توان از طریق پتانسیل وارداتی بررسی کرد. زیرا ایران می کوشد برای گسترش این برنامه، سرمایه های خارجی، تولیدکنندگان و کارگران فنی را جذب نماید. به عنوان نمونه در صنایع استخراج

۱. در سال ۱۹۹۶، سهم محصولات صنایع تبدیلی در صادرات ۲۶٪ بود و محصولات کشاورزی و فرش ۲۷٪ و ۱۹٪ (به طور کلی ۳/۲ میلیارد دلار) بود.

۲. نگاه سرزم. شماره ۵۱، ص ۳۹، در سال ۱۹۹۶ صادرات کالاهای نفتی و شیمیایی متشکل از ۲۷۶ میلیون دلار بود. (م. نگاه سرزم نشریه ای است روسی زبان که توسط سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو چاپ می گردد).



معادن در سالهای ۹۸-۱۹۹۷، تلاش آشکاری در جهت گسترش تولید مس و آلومینیوم با کمک شرکتهای سوئدی صورت گرفته و این تولیدات ممکن است در آینده به مقدار زیادی به خارج از کشور صادر گردد. در آینده می توان پروژه هایی را در زمینه بهره برداری از معادن اورانیوم نیز تهیه نمود. آینده همکاری در زمینه حمل و نقل به ویژه که ایران و روسیه به عنوان پل ارتباطی میان غرب - شرق و شمال - جنوب در منطقه محسوب می گردند بسیار امیدوار کننده است. در این خصوص همچنین فضای گسترده ای برای ایجاد مؤسسات حمل و نقل مشترک، از جمله شرکتهای ترانزیتی وجود دارد. با توجه به نیاز همکاری مشترک در این مورد، در سال ۱۹۹۷ وزرای حمل و نقل دو کشور اسنادی را مبتنی بر چهار اصل ذیل به امضا رسانیدند:

الف) ایجاد مسیر شمال - جنوب، هلسینکی، مسکو - ولگاگراد - آستاراخان - انزلی - نوشهر - بندرعباس.

ب) احداث بزرگراه آبی، اطراف خزر

ج) کشتیرانی مشترک در دریای خزر

د) ایجاد یک شرکت مشترک در خصوص طراحی و ساخت بندری جدید در ساحل دریای خزر. یکی از اسکله های این بندر توسط شرکت ایرانی «تایدواتر» ساخته شده و طرف ایرانی آماده خرید نصف سهام بندر است. در آینده می توان در سازماندهی مشترک صنعت توریسم که اولین قدمهای آن را ایران برداشته است، شرکت کرد. البته وجود ممنوعیتهای اسلامی در برخی از استراحتگاهها، سرگرمی ها و تفریحات گسترش این صنعت را با مشکل روبه رو ساخته است. با این وجود ایران در دو سال اخیر از بخشهای دولتی و خصوصی برای گسترش آن دعوتهایی به عمل آورده است. علاوه بر این مسؤولان مناطق آزاد، از جمله نوشهر از طرحهای توریسم بین الملل استقبال می کنند. در این رابطه بهره برداری از سواحل دریای خزر از جمله انزلی، نوشهر و چالوس که شرکت ساختمانی بنیاد مستضعفان بزرگراهی را از تهران به این مناطق در دست اقدام دارد، حائز اهمیت فراوان است.

۴. بساید خاطر نشان ساخت که با وجود اصلاحات اقتصادی ایران و اجرای

خصوصی سازی، اکثر شرکای قابل اعتماد فعلاً شرکای دولتی هستند که دارای خودکفایی

بازرگانی می‌باشند و به‌ویژه این موضوع مربوط به شرکتهای تولیدکننده است. مسؤلان استانها، مناطق مرزی و آزاد دارای قدرت فوق‌العاده‌ای هستند و بعضی از مؤسسات اسلامی، از جمله بنیاد مستضعفان دارای فعالیت تجاری گسترده‌ای بوده و بسیاری از آنها دارای شرکتهای تجاری و گردشگری می‌باشند. بنیادهای اسلامی که سهامداران نیز محسوب می‌گردند، بزرگترین طرف معامله قابل اعتمادی هستند که منابع مالی هنگفتی را به خود اختصاص داده‌اند. این بنیادها نظیر «آستان قدس» که دارای رشته‌های تولیدی و شرکتهای بازرگانی، صادراتی و گردشگری می‌باشند، فعالیت گسترده‌ای را انجام می‌دهند و در ارتباط با تولیدات شرکتهای ایتالیایی، آلمانی، ژاپنی و غیره اقدامات فعال و جدیدی را انجام داده‌اند. شرکتهای فعال و قابل اعتماد، اغلب، اعضای اتاقهای بازرگانی - صنعتی کشور یا استانها هستند. این اتاقها در حال حاضر در رابطه با خصوصی‌سازی و تشویق بخش خصوصی، فعالیت قابل ملاحظه‌ای از خود به‌ویژه در رابطه با برنامه‌های صادراتی نشان می‌دهند. فعالیت تعاونی‌ها در بازار ایران هم در زمینه صنعت و هم در زمینه مبادلات مرزی بسیار خشنودکننده است. این تعاونی‌ها از امتیازات مهم و یارانه‌های دولتی، به‌ویژه در پیشرفت صادرات برخوردار هستند. بیشترین تأثیر و چشم‌انداز همکاری ایران - روسیه را می‌توان در زمینه‌های تجاری - مالی و سرمایه‌گذاری برای ورود به بازارهای کشورهای جهان سوم ملاحظه کرد. این امر به‌ویژه مربوط به آسیای مرکزی و قفقاز است، جایی که سرمایه‌های ترکیه فعالانه نفوذ کرده‌اند. البته تأثیر اقتصادی (و سیاسی) شرکت مشترک در ارتباط با کشورهای خلیج فارس و جهت‌گیری‌های جنوب - شرق، کمتر از تأثیر رابطه با کشورهای آسیای مرکزی نیست. روابط اقتصادی ما به‌ویژه بخاطر جدایی از فضای اقتصادی کشورهای پس‌از شوروی، نزدیکی نسبی مرزی، بهره‌برداری از بازار پر قابلیت ایران، رفتن به طرف شبکه حمل‌ونقل جنوب - که در بین مناطق همسایه، استفاده از مسیر ایران برای شرکتهای دولتی و خصوصی روسیه بسیار مفید است، قابل توجه می‌باشد.

با توجه به تجربه همکاری گذشته، ایران نیازمند همکاری و شرکت بلندمدت در زمینه‌های تحویل تجهیزات، لوازم نیمه‌ساخته و فن‌آوری روسی است. این موضوع نه تنها شامل طرح‌های تکنیکی و فنی مهم است، بلکه طرح‌های کوچکتر را نیز دربر می‌گیرد. به نظر

می‌رسد که اکنون روسیه از این شانس، که ایران در انزوای نسبی قرار دارد استفاده نمی‌کند و این امکان را که به کمک بازار پرقابلیت ایران، پتانسیل فنی و اقتصادی و همچنین سطح امنیت ملی خود را بالا می‌برد، از دست می‌دهد و این نه تنها یک اشتباه سیاسی، بلکه یک اشتباه اقتصادی است.

با این وجود لازم است که به‌طور دقیق ارزیابی گردد که در آینده‌ای نزدیک که امکانات مالی و تکنیکی روسیه محدود شود، این کشور دیگر قادر نخواهد بود در جهت‌گیری‌های بعدی همکاری نظامی با ایران شانس جذب سرمایه‌گذاری‌های آمریکایی به‌ویژه در زمینه‌های علمی را داشته باشد. ایران چشم‌انداز کافی برای همکاری در دیگر زمینه‌های تحویل فن‌آوری تسلیحات معمولی را داراست. با وجود نگرشهای مختلف نسبت به موقعیت و چشم‌انداز همکاری نظامی روسیه با ایران، نباید فراموش کرد که در زمان شاه، ایران از آمریکا، پیشرفته‌ترین سلاح‌های آن مقطع زمانی را دریافت می‌کرد.

با وجود روحیات ضدغربی و ضدآمریکایی در ایران که یکی از دلایل بروز انقلاب بود، فعالیت در بازار ایران باید با توجه به سنن حاکم بر جامعه آن کشور به‌عمل آید و برنامه‌های همکاری علمی - فرهنگی بیشتر تقویت گردد. اگر این کار به مرحله قانونی برسد، ایران آماده همکاری همه‌جانبه با روسیه در زمینه‌های انتشاراتی و علمی است.